

اکنون بزدان بینمت ، فردا بمیدان بینمت

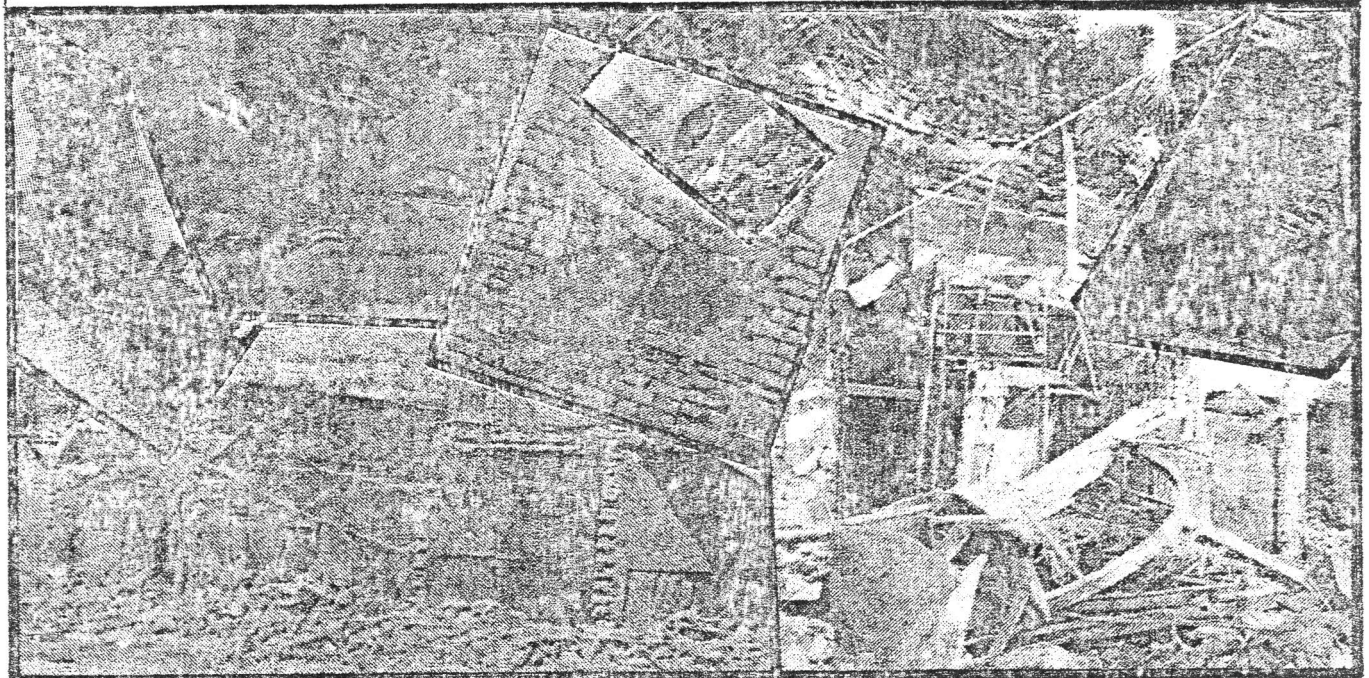
حکومت جمهوری اسلامی بیمناک از رشد نیروهای انقلابی و کمونیست و نفوذ آنان در بین توده های زحمتکش ، هراسان از بیداری خلق و متزلزل شدن پایه های خود ، بگیرد - بیند مبارزین را همچنان ادامه میدهد . روزی نیست که در گوشه ای از میهنمان شاهد دستگیری و حبس طویل المدت و اعدام انقلابیون حتی به "جرم" پخش اعلامیه های نیرو - بقیه در صفحه ۴

اعتراف رژیم بمحاصره اقتصادی خلق کرد

با اوج گیری جنبش مقاومت خلق کرد ، حکومت جمهوری اسلامی در کنار گسیل ارتش و پاسداری به کردستان بیاختاره و بکاربردن توپ و تانک و حتی بمباران مناطق مسکونی ، از تاکتیک محاصره اقتصادی نیز استفاده کرد تا مگر خلق پیکارجوی کرد را به تسلیم وادارد . توسل به محاصره اقتصادی از سوی حکومت ، بارها وسیله انقلابیون کمونیست افشاء شده و البته همیشه دست اندرکاران حکومت مزورانه آنرا تکذیب میکردند . اکنون که رژیم جمهوری اسلامی درگیر بقیه در صفحه ۳

هدف رژیم از افزایش مدت نظام وظیفه ص ۳

زحمتکشان ایران و عراق را از جنگ نا عادلانه رژیمهای ایران و عراق ثمری جز
افزایش فقر ، بی خانمانی ، قحطی و نیست !



مرگ بر امپریالیسم و سرمایه داری وابسته

ریچبر روی زمین اتحاد
پیکار خلق
یکشنبه ۲۷ مهر ۵۹
گروه انقلابیون مارکسیست لنینیست

نکاتی پیرامون جنگ ایران و عراق

در یک جامعه طبقاتی که حاکمان اقتصادی - سیاسی آن سرمایه داران می باشند ، توده های محروم و زحمتکش همیشه آلت دست این حاکمان قرار میگیرند . سرمایه داران از آنجهت توده های خلق را باز بجه خود میسازند تا بتوانند بمقاصد بقیه در صفحه ۲

نکاتی ...

نفع پرستانه خود هرچه بیشتر جامعه عمل بیوشانند. این مطلب در مورد جنگ رژیم های ایران و عراق نیز صادق می باشد. این چنین جنگ های ناغاد لانه در روند خود و در نقطه نهائی برآورند. منافع غارتگرانه امپریالیسم می باشد. در این میان قربانی شدگان جنگ فقط خلق های این دو کشورند و سود برندگان آن سرمایه داران وابسته داخلی و با مال امپریالیسم جهانی است. دو دولت ایران و عراق هر کدام باروشهای تبلیغاتی ویژه خود توده های زحمتکش دو کشور را بجان هم می اندازند. رژیم ایران زیر پوشش "اسلام علیه کفر"، "صدور اسلام" و رژیم عراق تحت لوای "برتریت عرب"، "تحقق اسلام حقیقی" سلاح های روسی و آمریکائی خود را برخ یکدیگر میکشند و آنرا تا زمانی ادامه میدهند که قدرت های بزرگ امپریالیستی بیه آن ایستد بدهند.

کمونیستها وظیفه دارند که توده های زحمتکش خلق را به ماهیت مرتجعانه این چنین جنگ های آگاه گردانند و آنها را از رفتن به جبهه های جنگ منع نمایند. بگذار ارتجاع بر مایوش آورد و قصد لگد کوب کردن مادر زیر چکمه های خونینش کند، ما نبایستی از این امر هراسی بدل خود راه دهیم، ما بایستی قاطعانه بگوئیم که همان سرنگونی بورژوازی "خودی" در هر حالتی هستیم و از همین امروز هم برای تحقق آن تدارک می بینیم.

جنگ ناغاد لانه ایران و عراق هفته هاست که آغاز شده است. در این میان مسائل بسیاری که در اوائل چندان چشم نمی آمد، روشن شده است. شروع این جنگ بلوک های امپریالیستی آمریکا و شوروی را بفکر انداخت تا از آب گل آلود ماهی ها مورد علاقه خود را صید کنند. واقعیت این است که رژیم عراق وابسته به یک کشور امپریالیستی خاص نیست. رژیم بعثی عراق مدتهاست در راه سرمایه داری وابسته گام نهاده است و بدلیل خاص تغییرات سیاسی این رژیم نوکر یک دولت امپریالیستی نمیشد بلکه جزئی از متحدین امپریالیسم است.

از این جهت این رژیم فعلاً مانور دادن در بین امپریالیست های گوناگون را بهترین راه

حل برای رسیدن به منافع طبقاتی خود می بیند. عراق از لحاظ نظامی و صنعتی قرار داد های بینماری را با سوسیال امپریالیسم روس امضاء کرده است و خواه ناخواه خلیفان، تکسینها و ملحقان آن نیز در آن کشور پرورش یافته و از آن تغذیه شده اند. با امپریالیست های دیگر چون آمریکا، فرانسه و... نیز قرار داد های صنعتی و نظامی منعقد ساخته و این امر جبراً وابستگی های را با خود به همراه می آورد. اما این سیاست شناسی یک جهت عمده دارد. تا مدت ها پیش این جهت عمده در عراق بسوی سوسیال امپریالیسم روس بود. اما از چندی قبل به این طرف رژیم عراق بطرف امپریالیست های غربی بویژه آمریکا گرایش پیدا نموده است.

وضعیت در مورد ایران تقریباً مشابه عراق است با این تفاوت که رژیم ایران سیاست شناسی خود را فقط در بلوک غرب انجام داده است. در حال حاضر دو ابر قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی و متحدین آنها میکوشند که هر کدام با سیاست خاص خویش در این مناطق نفوذ بیشتری بیابند. امپریالیسم آمریکا کوشش دارد پس از تمایل رژیم عراق بسمت خود، وی را هر چه بیشتر بخود وابسته گردانید و سپس به نوکری بکشاند. سوسیال امپریالیسم روس سعی دارد که نفوذ کم شده اش را در عراق بار دیگر بیشتر گردانید و رژیم عراق را از رفتن بسوی امپریالیسم غرب و بویژه آمریکا بازدارد. هر یک از این ابر قدرتها برای دست یابی به مقاصد خود روش های مخصوص بخود را در می یابند. ابر قدرت آمریکا بوسیله عربستان سعودی و اردن سعی میکند که شعاع نفوذ خود را در عراق گسترده تر نماید. امپریالیسم آمریکا در مورد عراق سیاست ملاطفت را پیش گرفته است تا تهدید. ابر قدرت روس اما از یک طرف عراق را مورد ملاطفت و از طرف دیگر بوسیله دولتهای لیبی و سوریه در منطقه مورد فشار قرار میدهد تا به عراق گوشزد نماید که در دست در اختیار بلوک غرب قرار گرفتن چگونه این دولتها را مقابلش قرار خواهد داد. در مورد ایران ابر قدرت آمریکا سیاست ملاطفت و فشار را در پیش گرفته است. از یک طرف به وسیله دولتهای کره جنوبی، ایتالیا، فرانسه و... اسلحه و سایر وسائل نظامی را بایران میفرستد و از طرف دیگر مورد وسائل صنعتی

و مواد اولیه را تحت ضوابط خاص و همراه با فشارهایی بر رژیم ضد خلقی کمونی توأم ساخته است. در حقیقت این سیاست "فشار و عرضه" برای آن است که وابستگی ایران را در بلوک امپریالیستی غرب، به آمریکا بیشتر گردانند. ابر قدرت روس اما در ایران سیاست فقط ملاطفت را پیشه ساخته است و بدولت های لیبی و سوریه و سایر کشورهای بلوک شرق مستقیم و یا غیر مستقیم توصیه نموده است که به ایران وسایل نظامی و یا صنعتی روانه سازند و در سیاست های بین المللی از این رژیم حمایت کنند. این سیاست ابر قدرت روس برای نفوذ یابی هر چه بیشتر در ایران است. ما میگوئیم که چنین سیاست هایی که از طرف ابر قدرتها در رابطه با جنگ ایران و عراق طرح ریزی شده و انجام میشود، بدلیل خصلت وابسته بودن اقتصاد هر دو کشور به زنجیره سرمایه های جهانی است.

همچنانکه در مقاله های پیشین ابراز داشتیم، این جنگ نمیتواند بحرانهای اقتصادی - سیاسی دو رژیم ضد خلقی ایران و عراق را حل کند و اعتلای انقلابی توده ها را در هر دو کشور سبب نشود. از سویی نیز رقابت های دو جناح سرمایه داری ایران در رابطه با چگونگی پیشبرد جنگ افزایش یافته است. حزب جمهوری اسلامی در خلال جنگ مشاهده میکرد که ارتش چندان جانب او را نگرفته و بسوی جناح بنی صدر متمایل است. از آنجا که این جنگ یک جنگ منظم است، حزب جمهوری اسلامی قادر نشد که سپاه پاسداران متمایل بخود را نکند و در تمام مراحل جنگ نماید، لذا سعی نمود با فرستادن مهره های در مواکز تصمیم گیری در مورد جنگ، بر ارتش کنترل داشته باشد، تا از یکسو قدرت یابی جناح بنی صدر را جلودار باشد و از طرف دیگر خود را تقویت نماید. در این اثنا خمینی با فرمان خود عملاً جناح حزب جمهوری اسلامی را تقویت نمود و با فرستادن خامنه ای و فسنجانی، پرورش از حزب جمهوری اسلامی و محمد منتظری که تا زگیانهای نامیانی بمیاست این حزب پیدا کرده است و چمران که قبلاً در این دو جناح می چرخید و فعلاً همگونی سیاسی با حزب جمهوری اسلامی یافته است به شورای عالی دفاع، آنان را موی دماغ جناح بنی صدر ساخت. بخصوص که دیگر بنی صدر بدینال این فرمان نمیتواند از جانب

هدف رژیم از افزایش مدت نظام وظیفه

اخیراً به پیشنهاد وزارت دفاع و با تصویب هیئت وزیران، زمان خدمت سربازی به دو سال افزایش یافت. بیاد داریم که در اوایل دوران پس از قیام، بخاطر وجود جو انقلابی در جامعه محکومت تازه بر سر کار آمده دوران نظام وظیفه را ابتدا به یکسال کاهش داد. اما چندی نگذشت که دوباره به یکسال و نیم افزایش یافت و اینک می بینیم که باز هم دو سال از بهترین سالهای عمر جوانان میهنمان باید در پادگانها و در اجرای اوامر فرماندهان هان مزدور و اطاعت کورکورانه سپری شود. اما براستی چرا حکومت اینچنین زمان نظام وظیفه را افزایش میدهد؟

یکم - بحران بیکاری در میهنمان بیداد میکند. بسیاری از زحمتکشان از داشتن کار محروم بوده و چه بسیار کارگرانی که از کارخانهها اخراج شده و به صف بیکاران پیوستند. عده بیشماری از دیلمها و فارغ التحصیلان همچنان بیکار میمانند. با به تعطیلی کشاندن برخی از ادارات و مؤسسات قشر عظیمی از کارمندان از کار برکنار شدهاند. در پی تعطیلی دانشگاه هزاران تن از جوانان سرگردان و بیکار در جامعه رها شدهاند. بدینا علم کردن "پاکسازی" بسیاری از معلمین مدارس به اتهامات واهی اخراج شدند. موج "پاکسازی" همه سطوح را در بر گرفته و در کارخانهها، ادارات و مؤسسات موجب تفکیک شد بر سر عناصر آگاه و انقلابی که نتیجه بیکاری بسیاری از کارگران و کارمندان را در بر داشت. همه و همه سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی روز بروز بر خیل عظیم بیکاران بیشتر میافزاید. در مقابل این تزايد رژیم را یارای پاسخگویی و یا جلوگیری نیست. چه حکومت سرمایهداران اصولاً قادر به حل مسئله بیکاری نیستند. اما این افزایش برای حکومت سرمایهداران زیان بار نیز میماند. زیرا با رضایتی مردم را نیز افزایش میدهد. مردمی که در جستجوی کار و تهیه لقمه نانی هستند از حکومت کار میخواهند و حکومت باید بظاهر چارههای بیندیشد. یکی از این چارهها برهم حکومت گسیل جوانانی که پس از پایان دبیرستان حتماً باید بسیاری از آنان جذب بازار کار شوند، به پادگانهاست. زیرا هر سال هزاران تن از محیط تحصیلی رها شده و آماده کار میشوند و چون حکومت جمهوری اسلامی قادر نیست با برنامههای اقتصادی صحیح این جوانان را بکار تولیدی گمارد، هر سال بخش عظیمی

بخش میکنند، هنگامیکه پاسداران حکومت به آنان یورش میبرند، کدام خانهها بروی آنان باز میشود؟ مگر نه اینکه خلق کرد جانباختن خود را با افتخار و در کمال سادگی و خلوص نیت پذیرا میشود؟ پس دیگر جقدر بشیرمانه است خلق کرد را در مضیقه گذاشتن و اخطا اتخاذ تصمیمات شدیدتره. آیا شدید تر از اجرای بهاران مناطق مسکونی میتوان تصمیمی گرفت؟ آیا کشتار فجیع قلاتان و قارنا و غیره ضعف حکومت را در به تسلیم کشاندن خلق کرد به اثبات نرسانید؟ خلق کرد شدت اعمال حکومت را روزها و شبها به چشم دیده است، لذا وی را از این اخطا باکی نبوده و همچنان به مبارزه ادامه میدهد و با عمل انقلابی خویش چهره "ضد امپریال لیستی" رژیم را به تمام خلقهای ایران و جهان نشان داده و خواهد داد.

از آنها را جذب خدمت سربازی میکند. البته این از شگردهای همه حکومتهای سرمایهداری است. شاهد بودیم که رژیم شاه نیز اینچنین میکرد و میدیدیم که چه تبلیغات در مورد رفتن به ارتش و دیگر ارگانهای غیر تولیدی میشد. اینک حکومت جمهوری اسلامی برای آنکه خود را از پاسخگویی به درد های بیکاران برهاند و تا حدودی از افزایش آن جلوگیری، ناشیانه به چارمجوی افتادهاست. تصویب ۲ سال خدمت نظام وظیفه از جمله بیانگر این امر است.

دوم - ارتش ستون فقرات حکومت و قوای قهریه یک طبقه بر طبقات دیگر است. ارتش جمهوری اسلامی نیز بمثابة مدافع و پاسدار حاکمان جدید عمل میکند. کشتار ارتش در کردستان نمونه بارز قهر ارتجاعی جمهوری اسلامی بقیه در صفحه ۴

اعتراف...

جنگ با رژیم بعثی عراق است، باز هم از یورش به خلق قهرمان ابا نورزیده و هر روز در قسمتی از مناطق کردنشین درگیری هائی بین پیشمرگان رزمنده کرد با قوای مسلح حکومت و اجیرشدگانی چون "سازمان پیشمرگان مسلمان کرد" صورت میگیرد. بدنبال درگیریهای اخیر در سنجندج ستاد ۳ "منیت" استان کردستان اطلاعیه شماره ۷ خود را بشرح زیر صادر کرد: "اغلب درگیریهای شبانه سنجندج در محله آقا زمان بوقوع پیوسته و این امر به علت عملکرد همکاران عدهای از سکنه این محله با مأمورین نظامی و همچنین وابستگی و مساعدت مردم این منطقه با ضد انقلاب است. لذا اخطار به کسانی که در شناسائی افراد مسلح و ضد مردمی همکاری نداشته و یا مبادرت به اختفای مهاجمین مینمایند برای اولین بار تا اطلاع ثانوی ارزاق عمومی و مایحتاج آنان قطع و در صورت تکرار چنین مواردی تصمیمات شدیدتری در مورد آنان اتخاذ خواهد شد." می بینیم که سرانجام دست اندرکاران حکومت مجبور به اعتراف در مورد محاصره اقتصادی شده و علناً مردم محله آقازمان را از رسیدن آذوقه و مایحتاج عمومی محروم میسازند. توگویی که اینگونه اخطارها قادر خواهد بود در دل خلق دلاور کرد هراسی ایجاد کند و از کمک آنان به پیشمرگان دلیر کرد بگاهد. رژیم جمهوری اسلامی کفاز قوانین ضد مردمی در رابطه با خلق سلاح عمومی طرفی نیست اینک میخواهد با در مضیقه گذاشتن خلق کرد و آوردن فشار اقتصادی بر آنان، آنها را به همکاری برای شناسائی انقلابیون پیشمرگه وادارد. چه خیال عبثی. خلق دلیر کرد پیشمرگان خود را چون مردمك چشم عزیز میدارد. براستی انقلابیون کرد در کجا بسر میبرند؟ مگر نه اینکه در دل روستاها و در میان روستائیان رنج دیده، در دل کوهها در کنار کوششینهائی که قلبشان به عظمت کوه پر از کینه نسبت به بهشتیان خلق کرد است و ایستادگیشان نیز به استواری کوه و در شهر و در کوچهها؟ آیا بهنگامیکه پیشمرگان خلق در کوچهها و خیابانها برای مردم سخنرانی میکنند و یا اعلامیههای ضد رژیم جمهوری اسلامی را

جنگ نا عادلانه سرمایهداران ایران و عراق را به جنگ آزادیبخش خلقها تبدیل سازیم

اتنون به زندان ...

های انقلابی و کمونیست، نباشیم. چندی است که "جرم شایعه سازی" نیز به "جرایم" قبلی اضافه شده و تفنگچیان حکومت بسیاری را به بهانه "شایعه سازی روانه" سیاهچالهای کنند. آری هر شلاقی که بریدن فرزندان خلق فرو می آید، هر روز، ماه و سالی که در سیاهچالهای رژیم بر زندگان خلق می گذرد، هر گلوله ای که سینه "مالا مال از عشق بخلق و لبریز از کینه و نفرت به دشمنان خلق را آماج خود قرار میدهد، همه و همه نشانه "ضعف و زبونی چاکران حکومت سرمایه داری، بیانگر تحقیر مرگ از سوی فرزندان دلیبر خلق است که جان خود را در راه تحقق آرمانهای انقلابی می زند و خلاصه اینکه سخن از اجتناب - ناپذیر بودن مبارزه طبقاتی و سرانجام پیروز - مند برای توده های رنج دیده دارد.

موارد ذیل از آنجمله اند:

شیراز - اوایل هفته گذشته بهنگامیکه عده ای در چهارراه زند شیراز مشغول بحث و گفتگو پیرامون مسائل جنگ و اوضاع ایران بودند، باحمله "سبعانه" پاسداران سرمایه روبرو میشوند. پاسداران که بخیال خود "شایعه سازان" در آن میان شناسائی کرده بودند، ضمن درگیری بطرز وحشیانه ای دوشن را دستگیر کرده و به همراه خود می برند.

آبادان - در حالیکه رژیم جمهوری اسلامی میکوشد با تبلیغات فراوان افکار عمومی را متوجه "جنگ ساز، دادگاه - های "انقلاب" فرصت را غنیمت شمرده و برای انقلابیون در بند جلسات فرمایشی تشکیل داده و میخواهند بخیال خود دوازدهم مردم و بی سروصد احکام ضد خلقی خود را به مورد اجراء در آورند:

حشمت الله رئیس "بجرم تحریک علیه نظام جمهوری اسلامی" یعنی بخاطر وفاداری به حجتکشان و دفاع از آرمان آنها، به ۱۰ سال حبس و جواد صادقی نیز فقط بخاطر پخش اعلامیه به ۱۰ سال حبس محکوم شدند. آیا مزدوران ساواک با انقلابیون جز این میکردند؟

تهران - دادگاه ۳ انقلاب مرکز رأی خود را در مورد پرویز یزدانی آموزگار

هدف رژیم ...

نسبت به خلق دلاور کرد میباشد. حکومت نیک میدانند که برای پابرجائی خود میبایست سیاست سرکوب را اعمال نماید و برای اینکار نیز به ارتش عظیم نیازمند است. این ارتش نیز محتاج افراد است. از افسران ارتش گرفته تا افسران جزو و درجه داران و سربازان. لذا رژیم جمهوری اسلامی میکوشد بهر طریقی که شده کادر نظامی ارتش را تکمیل نماید. در این راه ضمن تبلیغات فراوان برای جلب افراد به ارتش، به تطمیع نیز متوسل میشود و شرایط رفاهی و ویژهای را برای ارتشیان و خانواده های آنها فراهم میکند. از جمله شاهد هستیم که فروشگاههای ارتش ارزاق - عمومی را به نازل ترین قیمت در اختیار ارتشیان قرار میدهد. خلاصه اینکه جذب هر جوانی بعد از ۲ سال در ارتش، کمکی است برای - تکمیل کادر نظامی. به همین جهت است که می بینیم درست در شرایطی که

روح نارضایتی در جامعه گسترش مییابد، در شرایطی که مبارزات خلقهای ایران نوید - انقلابی دیگر را میدهد، رژیم جمهوری اسلامی قانون ۲ سال سربازی را تصویب میکند تا قوای قهریه خود را گسترش دهد. قوایی که باید کارگران را در کارخانه ها به گلوله ببندد، آتش بروی روستائیان بگشاید، انقلابیون راستین را به رگبار گلوله های خونین ببندد و خلاصه هر صدای حق طلبانه ای را خفه کند. به عبارت دیگر حکومت با جدا کردن فرزندان خلق از آنها و نگهداشتن در پا - دگانها و با تعلیم فنون نظامی تحت سیستم ارتجاعی آنان را برای خدمت بخود پرورش میدهد تا در فرصت مناسب آنها را به - مقابله با جنبش خلق بکشانند.

د بیلمه مقیم فیروزکوه که از تاریخ ۳۱/۴/۵۹ دستگیر شده بود، صادر کرد: ۴ سال حبس و ممنوعیت از شغل آموزگاری. "جرم": "تحریک مردم علیه انقلاب اسلامی و ارتباط با گروههای ضد انقلاب! رهروان راه صمد بسیاریند و حکومت به عیب می بندد که بسا اینگونه احکام میتواند از ادامه راه صمد توسط آموزگاران مبارز جلوگیری کند.

اهواز - اخیراً چهارتن از هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران بدنبال حمله گروههای فشار به چادر

نکاتی ...

خویش حرف زده و مواضع جناح خود را تبلیغ نماید.

ما قبلاً گفته بودیم که حزب جمهوری اسلامی برای آنکه مواضع رقیب را تضعیف نماید، بدروغ از "بسیج توده ای برای جنگ" دم میزند و گفتیم که تمامی این گفته ها چیزی جز فریبکاری و رقابتهای در جناح - بسزای قدرت یابی بیشتر نیست. جناح بنی صدر دست حریف را در این ارتباط رو میکند و در روزنامه "انقلاب اسلامی چنین مینویسد:

"اینان (منظور حزب جمهوری اسلامی است - بیکار خلق) معتقدند در صورتیکه عراق با یک شکست فوری و کوتاه مدت روبرو شود و ما جنگ را خاتمه بدیم حاکمیت سیاسی موجود در داخل ایران قوام و دوام بیشتری خواهد یافت. از این رو باید جنگ را هر شکست از ما داد. در این صورت جنگ از وضعیت و فر - مانده های فعلی آن خارج شده و مسئله "تشک و بسیج توده ها در مقابل خطر داخلی جنگ مطرح میشود که این بسیج توده ای به کنترل آنها در خواهد آمد و از این طریق می - توانند رئیس جمهور را تضعیف نمایند."

خواننده خود از لایبلی این جملات به خوبی درمییابد که "بسیج توده ای" و ادامه جنگ با عراق "تاکتیکهایی هستند تا بوسیله آن این یا آن جناح سرمایه خود را تقویت - و دیگری را در موضع ضعف قرار دهد. بنابراین این بسیار واضح است که شعارهای دروغین ضد امپریالیستی آنها جز گول زدن توده ها - منظور دیگری را بدنبال ندارد و دردی از آلام بیشمار زحمتکشان محروم جامعه ما را در - مان نخواهد کرد. باید بدی محاباه توده ها - گفت که گول سیاستها و تاکتیکهای سرمایه - داران را نخورند. سرمایه داران بخوبی می - دانند که برای محکم کردن پایه های خود بقدرت توده ها نیازمندند، از این جهت به به هزارویک خدعه متوسل میشوند تا بمقتضود اصلی خود که همانا کسب منافع طبقاتی است جامعه عمل ببوشانند. این جنگ هم ادامه همان سیاست مزورانه و سودجویانه آنها است.

فعالیت این سازمان و بهم ریختن کلاس - های نظامی آنان در اهواز، بازداشت شده و همچنان در زندان بسر میبرند.